

نامدار ابراهیمی^۱

مقدمه

دهه اول قرن بیستم دوره تسلط جنبش اصلاح پیشرفت گرایانه در ایالات متحده است، یک چشم انداز اجتماعی که تأثیر ماندگاری بر سیاست، فرهنگ و آموزش و پرورش آمریکا داشته است (شوبرت و همکاران، ۲۰۰۲). در این دهه جامعه آمریکا دلایلی برای افتخار کردن به آموزش و پرورشی داشت که بنیاد گذاشته بود. رویای برابری فرصت‌های تربیتی تا حدودی فهمیده شده بود. هر آمریکایی سفید پوست می‌توانست به آموزش و پرورش خوب و آموزش‌های حرفه‌ای دسترسی داشته باشد. با این حال مدارس با وضعیت مطلوب فاصله بسیار زیادی داشتند. ناکافی بودن تربیت معلمان، کلاس‌های درس بسیار شلوغ، نامناسب بودن ساختمان‌های مدارس و ناکافی بودن تجهیزات، نادیده گرفتن آموزش و پرورش سیاه پوستان چالش‌هایی بود که مدارس با آن روبرو بودند. اما چارچوب بنیادی از مفهوم اصیل آموزش و پرورش ایجاد شده بود و مدارس دولتی رایگان، از کودکان تا دانشگاه، پایه‌گذاری شده بود (کالاها، ۱۹۶۲).

داستان چهار قرن بعدی آموزش و پرورش آمریکا باید در بافت بزرگتری از نیروها و رخدادها نگریسته شود که جامعه آمریکا را شکل داده‌اند. از آنجا که مدارس در همه جا تا حدودی منعکس کننده فرهنگ و پاسخگوی نیروهایی است که خود بخشی از آن هست، مدارس دولتی آمریکا نیز، به دلیل ماهیت الگوهای سازمانی، پشتیبانی و کنترل، آسیب پذیری ویژه‌ای داشتند و به سرعت به قوی‌ترین نیروهای اجتماعی پاسخ می‌دادند. در این دوره مانند چند دهه پیشین، صنعت‌گرایی، قویترین نیروی این دهه بود- استفاده از قدرت مکانیکی برای تولید محصولات - و همراه با آن فلسفه اقتصادی کسب و کار آزاد و نظام سرمایه‌داری بود که صنعت‌گرایی در آمریکا در سایه آن توسعه یافت (کالاها، ۱۹۶۲). دستاوردهای مادی سرمایه داری صنعتی در اواخر قرن نوزدهم موجب دو تحول عمده بود که جامعه و آموزش و پرورش آمریکا را پس از سال ۱۹۰۰ متأثر ساخت. یکی از این تحولات دستیابی کسب و کار و صنعت به جایگاهی از اعتبار و نفوذ و غوطه ور شدن متعاقب آمریکا با ارزش‌ها و شیوه‌های صنعتی و کسب و کار بود. دیگری جنبش اصلاحاتی بود که بطور تاریخی با تئودور روزولت تداعی می‌شود. این دو تحول، و آسیب پذیری مدیریت مدرسه، شرایطی در جامعه آمریکا فراهم کرده است که تأثیر فوق‌العاده فردریک تیلور و سیستم مدیریت علمی‌اش، و نفوذ مداوم ایدئولوژی صنعتی و کسب و کار بر جامعه و آموزش و پرورش آمریکا پس از سال ۱۹۱۱ را توضیح می‌دهد (همان).

آثار مهم برنامه درسی در دهه اول قرن بیستم

کتاب *برنامه درسی کامل*^۲ یکی از کتاب‌هایی است که در آغازین سال‌های قرن بیستم در زمینه برنامه درسی منتشر شده است. این کتاب که در سال ۱۹۰۰ توسط کلومبوس باوشر^۳ نوشته شد، نخستین کتابی است که لفظ برنامه‌درسی در عنوان آن مورد استفاده قرار گرفته است. باوشر در این کتاب تجویزهای برنامه درسی را از منظر جهان‌بینی فلسفی ارائه کرده است. در

۱. namdar_eb@yahoo.com

۲. *The Absolute Curriculum*

۳. *Columbus Bowsher*

۱. دانش آموخته دکتری مطالعات برنامه‌درسی از دانشگاه تربیت مدرس

این دهه نزدیک به ۲۰ عنوان کتاب مرتبط با حوزه برنامه درسی نوشته شده است که مشخصات کتاب‌شناختی آنها در پایان این مقاله آمده است. اگرچه نمی‌توان تأثیر این آثار را در تحولات این حوزه کم اهمیت دانست، با این حال نمی‌توان گفت همه این آثار نقش یکسانی در شکل‌گیری حوزه معرفتی برنامه درسی ایفا کرده‌اند.

برخی از کتاب‌هایی که در زمینه برنامه درسی در دهه اول قرن بیستم نوشته شده‌اند اثرات ماندگاری فراتر از آن دهه داشته‌اند و در دهه‌های بعدی نیز به عنوان منابع مرجع و مهم حوزه برنامه درسی همواره مورد توجه متخصصان قرار گرفته‌اند. از این کتاب‌ها می‌توان به کتاب‌هایی اشاره کرد که توسط دیویی (۱۹۰۰، ۱۹۰۲)، بگلی^۱ (۱۹۰۵) و مک موری^۲ (۱۹۰۶) نوشته شده‌اند.

مدرسه و جامعه

کتاب مدرسه و جامعه یکی از شناخته شده‌ترین کتاب‌هایی است که توسط جان دیویی اندیشمند معروف آمریکایی در سال ۱۹۰۰ در زمینه برنامه درسی نگاشته شده است. این کتاب ۱۲۹ صفحه‌ای که حاصل سخنرانی‌های دیویی است، در چهار بخش تحت عنوان‌های: مدرسه و پیشرفت جامعه، مدرسه و زندگی کودک، اتلاف [زندگی کودک در مدرسه] در تعلیم و تربیت^۳ و سه سال از [تجربه] مدارس ابتدایی دانشگاه، مدون شده است. دیویی در این کتاب به بیان آراء و روش‌هایی می‌پردازد که در یک مدرسه ابتدایی باید بکار گرفته شود. از نظر دیویی روش‌های تعلیم و تربیت نباید از ویژگی‌های جامعه جدا در نظر گرفته شود، زیرا هدف از تعلیم و تربیت قادر ساختن افراد برای روبرو شدن با زندگی است. اگر آموزش در گذشته در کار انباشتن ذهن افراد و صرفاً بالا بردن اطلاعات و معلومات آنها بود، امروزه باید این کار به زندگی اجتماعی آنها پیوند بخورد. کودکان باید آماده بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی باشند. بر این اساس، از نظر دیویی (۱۹۱۰) مدارس باید به عنوان مرحله "جنینی زندگی اجتماعی در نظر گرفته شود، که منعکس کننده [نمونه کوچکی] از زندگی اجتماعی بزرگتر با انواع مشاغل است. زمانی که مدرسه کودک را از طریق این جامعه کوچک تحت آموزش قرار می‌دهد و با ایجاد روحیه خدمت و تجهیز او به ابزارهای موثر خود راهبری، او را برای عضویت در جامعه بزرگتر آماده می‌کند، ما بهترین و عمیق‌ترین تضمین را برای داشتن جامعه بزرگتری که ارزشمند، دوست داشتنی و هماهنگ است، خواهیم داشت" (ص ۴۵).

از نظر دیویی آموزش و پرورش نه تنها باعث حفظ حیات اجتماعی می‌شود، بلکه عامل مهمی است که به افراد امکان می‌دهد تا در پرتو آموخته‌های خود در حفاظت از عناصر مؤثر اجتماعی مشارکت کنند و در تعادل و یا عدم تعادل نیروها دخیل باشند. وظیفه آموزش و پرورش در تمام مراحل تربیت این است که بر تجربیات فرد روشنائی بیفکند و تجربیات را در جهت خلاق پیش ببرد. مدارس تنها یک "جا" و "مکان" ساده برای تربیت نیست، بلکه مکانی برای زندگی واقعی کودکان و کسب تجربه است. دیویی برای مدارس سه کارکرد اصلی بر می‌شمارد: نخستین کارکرد مدرسه فراهم آوردن محیطی ساده و طبیعی است. مدرسه باید خصوصیات اصلی را که از قابلیت دریافت پاسخ از شاگردانش برخوردار است برگزیند، آنها را با نظمی مناسب مرتب کند و به تدریج محیط خود را به الگوهای پیچیده‌تر نزدیک سازد. ثانیاً مدرسه باید محیطی خالص پدید آورد و چیزهای پیش پا افتاده و نادلخواه را حذف کند. مدرسه موظف نیست که همه فعالیت‌های موجود در جامعه را به دانش آموز انتقال دهد، مدرسه فقط مسئول آن چیزی است که به ایجاد جامعه‌ای بهتر در آینده کمک کند. ثالثاً مدرسه باید میان عناصر مختلف اجتماعی تعادل برقرار سازد. مدرسه باید محیطی وسیعتر از محیطی که هر فرد بدون کمک مدرسه می‌تواند با آن

1. Bagley

2. Mcmurry

3. Waste In Education

روبه‌رو شود، فراهم آورد. مدرسه باید به هر فرد امکان دهد که در فعالیتهای تعداد منتخبی از مجامع و گروه‌های بسیار جامعه سهیم شود که بدون کمک مدرسه نمی‌تواند. به عنوان بخشی از این کارکرد، مدرسه موظف است تأثیرات محیط‌های اجتماعی مختلفی را که دانش‌آموزان در آنها وارد می‌شوند هماهنگ سازد و به این طریق اثری انسجام بخش و یکنواخت سازنده بر جامعه بگذارد (کانل، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰).

کودک و برنامه درسی

کتاب دیگر دیویی که بیش از کتاب نخستش تأثیر گذار بود کتاب کودک و برنامه درسی است که در سال ۱۹۰۲ منتشر شد. وی در کتاب کودک و برنامه درسی (۱۹۰۲)، با طرح دو دیدگاه و تفکر متعارض درباره برنامه درسی می‌کوشد تا چاره‌ای برای رفع تضاد بین توجه به نیازهای طبیعی کودک از یک سو و تأکید بر خرد انباشته شده در فرهنگ از سوی دیگر، بیندیشد. در دیدگاه اول، برنامه درسی به طور کامل متمرکز بر دیسیپلین‌ها بوده و هدف آموزش و پرورش متبحر ساختن دانش‌آموزان بر موضوع‌های درسی است. بر مبنای این تفکر "کودک صرفاً یک موجود ناپخته است که باید پخته شود، او یک موجود سطحی است که باید عمق پیدا کند" (۱۹۰۲، ص ۱۳). از نظر دیویی ایراد اساسی این دیدگاه، عدم توجه به نیازها و علائق دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی است. از سوی دیگر، دیویی نسبت به تفکر افراطی مربیانی که معتقد به کودک محوری بوده و مبنای تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی را صرفاً نیازها و علائق دانش‌آموزان می‌دانستند بدبین بود، به اعتقاد وی، اتکاء افراطی بر کودک نیز می‌تواند همانقدر برای فرایند یادگیری مضر باشد. به نظر او ایراد چنین تفکری نادیده گرفتن اهمیت مطالب درسی و همچنین معلم است.

برای حل این معضل، دیویی از برنامه‌ای دفاع می‌کرد که تعادلی میان ارائه دانش و علاقه مندی‌ها و تجربیات کودک برقرار کند. او معتقد بود "کودک و برنامه درسی دو حدی هستند که یک فرایند واحد را تعریف می‌کنند. همانطور که دو نقطه یک خط راست را، در نتیجه موقعیت کنونی کودک و حقایق و واقعیت‌های علمی، تدریس را تعریف می‌کنند" (۱۹۰۲، ص ۱۶). دیویی نه تنها تصویر جدیدی از آنچه در فرایند یادگیری باید اتفاق بیافتد ارائه می‌کند، بلکه از نقشی که معلم در این فرایند باید به عهده بگیرد سخن می‌گوید. به نظر او، معلم نباید کسی باشد که به توزیع و انتقال تکه‌های اطلاعات مشغول است، بلکه باید در کنار دانش‌آموز نقش راهنما و تسهیل‌کننده فرایند تربیت را به عهده بگیرد. آنطور که دیویی (۱۸۹۷) توضیح می‌دهد: "حضور معلم در مدرسه برای تحمیل کردن ایده‌های مشخص و یا ایجاد عادت‌های بخصوص در کودک نیست بلکه برای این است که به عنوان یک عضو اجتماع تأثیراتی را که کودک تجربه می‌کند انتخاب می‌کند و به او کمک می‌کند که به نحو مناسب به آنها پاسخ دهد" (ص ۹).

فرایند تربیتی

یکی از کتاب‌هایی که مدت‌ها بعد از نگارش تأثیر قابل توجهی در ادبیات حوزه برنامه درسی بر جای گذاشت، کتاب فرایند تربیتی است که در سال ۱۹۰۵ توسط یکی از مربیان ذات‌گرا^۱ به نام ویلیام بگلی نوشته شد. فرایند تربیتی اگرچه به لحاظ عنوان یک کتاب برنامه درسی نیست، اما به اندازه کافی جامع بود که تأثیر عمده‌ای بر برنامه درسی و دیگر تفکرات تربیتی آن دوره داشته باشد. نام بگلی با این کتاب در سطح ملی و حتی بین‌المللی برجسته شد. این کتاب به عنوان تلاش اولیه برای ارائه تصویری جامع از "علم آموزش و پرورش" به یک کتاب درسی محبوب در سراسر ایالات متحده تبدیل شد. هدف بگلی در این

کتاب پوشش دادن به بسیاری از مباحث تربیتی از جمله اهداف تعلیم و تربیت، ملاحظات اخلاقی، روانشناسی تحول کودکان، روش‌های تدریس، رسانه‌های آموزشی و بسیاری از موضوعات را شامل می‌شود. بگلی (۱۹۲۰) می‌گوید نوشتار فرایند تربیتی بر آن است دیدگاهی نظام‌مند و جامع از وظایفی که باید توسط مدرسه انجام شود ارائه کند. این کتاب بطور کلی مباحث این حوزه را تحت عناوین "روش عام"^۱، "روش‌های شرح و ارائه"^۲، "نظریه و عمل"^۳، و غیره پوشش می‌دهد؛ اما بیشتر از آنکه به جزئیات روش بپردازد به اصول نظر دارد. از نظر بگلی "تربیت به عنوان فرایندی است که از طریق آن افراد به تجاربی دست می‌یابند که کارآمدی بیشتر آنها را در انجام فعالیت‌های آتی فراهم می‌کند". از نظر بگلی هر یک از شاخه‌های دانش به عنوان نوع خاصی از تجربه محدود جهان پیرامون یا درون ما از طریق برنامه درسی مدارس به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. یکی از وظایف مدرسه انتقال^۴ این تجربه به دانش‌آموز است. وی با نقل قولی از هاورث می‌گوید "نباید فراموش شود که یکی از وظایف نظام مدرسه ما، اگر نگوییم همه وظیفه مدرسه، توزیع مهم‌ترین دانش‌هایی که هم اکنون فراهم شده در بین اعضای جامعه است". وی در ادامه می‌گوید؛ مدارس وظیفه دیگری نیز دارد. کار تربیت فقط کمک به جذب تجربه‌های قوم^۵ نیست بلکه کسب تجربه هم هست. مدارس باید محیط‌های خاصی برای کودکان فراهم کنند، که در واکنش به آن محیط‌ها تجربه‌هایی به آنها داده خواهد شد که در زندگی آتی‌شان قابل استفاده باشد. وی اضافه می‌کند مدارس مؤسسه‌هایی هستند برای تبدیل نیروهای محیطی^۶ به آرمان‌های مشخص و آگاهانه^۷ (ص ۳۹). بگلی این اهداف را در سایر فصل‌های کتاب خود شرح و بسط می‌دهد. از نظر وی اصول زیربنایی انتخاب تجارب توسط مدارس بر اساس هدف اصلی تعلیم و تربیت تعیین می‌شود. این هدف اصلی از نظر بگلی کارآمدی اجتماعی است.

دروس تحصیلی در هشت پایه

چارلز الکساندر مک موری مروج اصلی اندیشه‌های تربیتی یوهان هربرت مربی آلمانی در آمریکا به شمار می‌رود. وی در سال ۱۸۹۲ با کمک چارلز دی گارمو^۸ و برادرش فرانک مک موری، *انجمن ملی هربرت*^۹ را برای ترویج و ترجمه آثار هربرت تأسیس کرد. وی یکی از نخستین کسانی است که طراحی برنامه درسی میان رشته‌ای و تلفیقی را مطرح کرد. در اثر تلاش‌های وی مفهوم برنامه درسی همبسته^{۱۰} (تلفیقی) مورد توجه محافل تربیتی قرار گرفت، بطوری که تهیه کنندگان "گزارش کمیته ۱۰" با رهبری چارلز دبلیو الیوت، از تلفیق بیشتر برنامه‌های درسی حمایت کرده و پیشنهاد دادند یک کمیته فرعی ویژه برای گزارش اثربخشی تلفیق به عنوان یک اصل راهنما در برنامه‌های درسی دروه ابتدایی تشکیل شود. یکی از دیدگاه‌های اندیشمندان هرباتی این است که برنامه‌های درسی مدارس باید هر چه بیشتر تلفیق شوند، همانگونه که دی گارمو (۱۸۹۵) آن را با عبارت "ارتباط نزدیک مطالعات"^{۱۱} (ص ۲۱۷) بیان می‌کند. این اندیشه به تلاش فراوان چارلز مک موری (۱۹۰۶) برای تهیه "دروس تحصیلی دوره هشت ساله" منجر شد. هدف اصلی این دروس از نظر مک موری تسهیل فرایندی است که "کودک از طریق آن می‌تواند به نحو احسن به تقاضاهای ضروری محیط اجتماعی اش و نیازهای فردی خود پاسخ دهد" (ص

1. General Method
2. Method Of The Recitation
3. Theory And Practice
4. Impart
5. Race-Experience
6. Environmental Forces
7. Definite And Conscious End
8. Charles De Garmo
9. National Herbart Club
10. Correlated Curriculum
11. Close Correlation Of Studies



۱۹). وی در مقدمه جلد اول می‌نویسد: این دروس حاصل تجارب نظری و عملی پانزده ساله وی با موضوعات درسی است که تدریس آنها را در مدارس عمومی بر عهده داشته است. وی می‌گوید: تلاش کرده است طرح هر یک از این دروس را در ارتباط مناسب با کل برنامه درسی تدوین کند که نتیجه آن مجموعه‌ای هشت جلدی از روش‌های خاص^۱ است که در هر یک از آنها انتخاب و مدیریت مواد برای هر درس بطور دقیقی برنامه‌ریزی و نحوه عمل تشریح شده است. جلد اول این کتاب با ۲۲۵ صفحه دروس پایه اول تا چهارم را شامل می‌شود. مباحثی که در این جلد به آن پرداخته شده عبارتند از: غنی سازی دوره تحصیلی، مشکل کنونی دوره تحصیلی، اقتصاد اهداف ساده^۲ [مشخص]، ساده سازی و سازماندهی دروس مدارس، کار شفاهی در ادبیات، قرائت، زبان، [متون] انتخابی برای حفظ کردن^۳، تاریخ، جغرافی، علوم ابتدایی، حساب، هنرهای دستی و کتاب راهنمای آموزش. جلد دوم این کتاب دروس تحصیلی پایه پنجم تا هشتم را در بر می‌گیرد، که شامل قرائت، زبان، تاریخ، جغرافی، علوم، حساب، دروس عمومی، هنرهای دستی است. همچنین مباحثی تحت عنوان اهداف اخلاقی دوره تحصیلی، مشکل اصلاح مدرسه برای برآوردن نیازهای مدرن، معلم در برابر دوره تحصیلی و انعطاف و سازگاری دوره تحصیلی در این کتاب مطرح شده است.

فهرستی از کتاب های برنامه درسی منتشر شده طی سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۹

در این دهه جمعاً ۱۹ کتاب در ارتباط با برنامه درسی نگاشته شد. برخی از این کتاب ها به لحاظ تأثیرگذاری و برخی نیز به لحاظ تاریخی برای رشته برنامه درسی بسیار ارزشمند هستند. در ادامه فهرست کتاب‌شناختی این آثار به تفکیک سال ارائه می‌شود.

1900

Bowsher, C. A. (1900). *The absolute curriculum*. Champaign: The University of Illinois.

Dewey, J. (1900). *The school and society*. Chicago: University of Chicago Press.

1901

Weet, H. S. (1901). *The curriculum in elementary education*. Rochester, NY: University of Rochester Press.

1902

Dewey, J. (1902). *The child and the curriculum*. Chicago: University of Chicago Press.

Dewey, J. (1902). *The educational situation*. Chicago: University of Chicago Press.

Henderson, C. H. (1902). *Education and the large life*. Boston: Houghton Mifflin.

1903

Du Bois, W. E. B. (1903). *The Souls of Black Folk: Essays and sketches*. Chicago: A. C. McClurg & Company.

1904

1. Special Method

2. Economy Of Simple Aims

3. Memory Selections

Columbia University Press. (1904). *The curriculum of the elementary school*. New York: Author, (Also reports intermittently to 1915).

1905

Bagley, W. C. (1905). *The educative process*. New York: Macmillan.

Hall, G. S. (1905). *Adolescence*, New York: Appleton.

Lodge, O. J. (1905). *School teacher and school reform: A course of four lectures on school curriculum and methods*. London: Williams and Norgate.

Payne, B. R. (1905). *Public elementary school curricula*. New York: Silver Burdett.

Thompson, H. M. (1905). *Essays in revolt; being a discussion of what should be taught at school*. London: J. M. Dent.

1906

Dodd, C. (1906). *The child and the curriculum*. London: S. Sonnenschein.

Horne, H. (1906). *The philosophy of education*. New York: Macmillan.

McMurry, C. A. (1906). *Course of study in the eight grades (Vols. I and II)*. New York: Macmillan.

1907

Meriwether, C. (1907). *The colonial curriculum 1607-1776*. Washington, DC: Capital.

1908

Horace Mann School. (1908). *The curriculum of the elementary school of Horace Mann School*. New York: Teachers College, Columbia University.

1909

Hayward, F. H. (Ed.). (1909). *Primary curriculum*. London: Ralph.

جمع بندی

دهه‌های آغازین قرن بیستم نقطه عطفی در شکل‌گیری رشته برنامه درسی به حساب می‌آید. اگر سال ۱۹۱۸ را به عنوان تاریخ رسمی تولد رشته‌ای به نام برنامه درسی بدانیم، می‌توان دهه اول قرن بیستم را دوران جنینی پیشرفته این رشته قلمداد کرد. کتاب‌هایی که در این دهه منتشر شدند زمینه را برای تولد رشته‌ای به نام برنامه درسی فراهم کرده و در تکوین و شکل‌گیری ویژگی‌های شخصی و هویتی این نوزاد بسیار تأثیر گذار بودند. برخی کتاب‌هایی با اهمیتی که در طلیعه این دهه نگاشته شدند همچون پیش‌نویسی، اتفاقات بقیه سال‌های حیات این رشته رقم زدند.

منابع

و. ف. کانل (۱۳۶۸). تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

Bagley, W. C. (1920). *The educative process*. New York: Macmillan.

Callahan, Raymond. E. (1962). *Education and the Cult of Efficiency*. Chicago: University of Chicago Press.

De Garmo, C. (1895). *Herbart and the Herbartians*. NY: Charles Scribner's Sons.

Dewey, J. (1900). *The school and society*. Chicago: University of Chicago Press.

Dewey, J. (1902). *The child and the curriculum*. Chicago: University of Chicago Press.



McMurry, C. A. (1906). *Course of study in the eight grades (Vols. I and II)*. New York: Macmillan.

Schubert, William H. et al. (2002). *Curriculum Books: The First Hundred Years*. New York: P. Lang.

